

سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان درج ۱۱.

محمد رضا حاتمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱



۱

چکیده

مکاتب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تاثیر دوگانه مثبت و یا منفی مهاجرت و دیاسپورا بر اقتصاد و امنیت کشور مبداء و مقصد، اجماع و نگاهی تک ساختی را در خصوص حضور مهاجرین برای کشورهای مقصد، مردود می‌شمارند از طرفی تاکید مکاتب مذکور، حضور مهاجرین و جامعه دیاسپوریک به عنوان یکی از عوامل توسعه کشور مقصد است به طوریکه بسیاری از آنها بر یکی از نحله‌های جدید توسعه یعنی توسعه دیاسپورا محور در کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند. در این راستا، حضور مهاجرین افغان که اکثرًا دیاسپورای کار را تشکیل می‌دهند یکی از دغدغه‌های اقتصادی - اجتماعی ج.ا.ادر دهه های اخیر بوده که چهره تهدید/ فرصتی برای سیاست های اجتماعی کشور به دنبال خواهد داشت. بنابراین و به مانند بسیاری از کشورهای مهاجر پذیر در دنیا که مهاجرت و دیاسپورا را مهندسی می‌نمایند، نیاز به خط مشی گذاری مطلوب در خصوص بحران مهاجرین افغان در کشور و استفاده مطلوب از این ظرفیت، ضرورتی انکار ناپذیر است. این تحقیق علاوه بر مبانی مستدل نظری در خصوص ظرفیتهای مهاجرین افغان که در ادامه مطالعات مرتبط با حوزه پژوهشی محقق در خصوص دیاسپورا و جوامع دیاسپوریک قرار دارد، ضمن تبارشناسی سیاستگذاری مهاجرت در صدد تبیین و تفسیر عرصه‌های تهدید/ فرصت گونه مهاجرین افغان در ساختارهای اجتماعی / اقتصادی ج.ا.است. روش شناسی این پژوهش بر مبنای مکاتب اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی دیاسپورا و روش تحقیق نیز تحلیلی/ توصیفی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرین، دیاسپورا، مهاجرین افغان، سیاستگذاری مهاجرت.

مقدمه

مهاجرت را نمی توان به یک مفهوم رایج تقلیل داد و طبعاً تبارشناسی انواع مهاجرت ، می تواند سندروم امنیتی ناشی از این مفهوم را برای جوامع مهمان ، کاهش دهد. نکته مهم در این تحقیق ، تفکیک مهاجرت با مفهوم دیاسپورا است ، چرا که دیاسپورا مفهومی سیاسی تر از مهاجرت و توسعه دیاسپورا محور (Di-aspora Centered Development) را نیز می توان یکی از ابزارهای جدید توسعه جوامع در حال توسعه نامید (Boyle & Kitchen, 2014,17). از سوئی ، مفصل بندی انواع دیاسپورا به خوبی تدقیق و مهاجرت را که به طور سنتی همیشه یک کد نامنی برای جوامع مهمان بوده را حداقل تبدیل به صور مناسبی از فرصتهاي اقتصادي و امنیتی خواهد نمود. به طور مثال با توجه به افتراق قومی و مذهبی مهاجرین و مشخصاً جامعه افغان در ایران ، این پژوهش بر موضوع شبکه سازی صلح برای جامعه میزبان (home land) در جامعه مهمان (host land)، تاکید زیادی خواهد نمود ، یعنی قومیتهای مختلف افغان در ایران و در راستای تمرین صلح ، درجه بالایی از همانند سازی در (host land) برای آنها اتفاق می افتد. طبق آمارهای رسمی ، مهاجرین افغان ، غالب مهاجرین را در کشور تشکیل می دهند. به گفته مقامات رسمی ، حدود دو میلیون و پانصد هزار مهاجر افغان را تشکیل می دهند که یک میلیون نفر از انها در قالب طرح آمایش بوده و اغلب در استانهای تهران و خراسان رضوی ، ساکن هستند .

به طور کلی و از اواخر دهه ٧٠ میلادی می توان پنج موج مهاجرت را از افغانستان به ایران نام برد که تبار شناسی و کیفیت این موج های دیاسپوریک و نوع مهاجرت که از چه دسته بندی می باشند ، جهت تدقیع فرضیه سیار مهم می باشد :

-موج اول ، تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان

-موج دوم: آغاز جنگهای داخلی در افغانستان

-موج سوم ، ظهور حکومت طالبان

-موج چهارم ، تهاجم ایالات متحده آمریکا به افغانستان

موج پنجم ، ظهور داعش در منطقه و قدرت گرفتن این نحله تفکر همراه با خیزش مجدد طالبان (تقسیم بندی ، محقق)

تعداد مهاجرین افغان که اکثرآ دیاسپورای کار را تشکیل می دهند یکی از دغدغه های امنیتی ایران در دهه های اخیر بوده است. گرچه متولیان امر همیشه اصرار بر خروج ده ها هزار نفری مهاجرین از کشور در هر سال می باشند ولی به علت نامنی روزافزون در افغانستان و رضایت حداقلی مهاجرین ، بعيد



۲

پژوهش
علمی
مشهد اول
پیش از
۱۴۰۱

است مهاجرینی که به نوعی در ایران ولو به صورت غیر قانونی اسکان یافته اند، تمایلی به خروج از کشور را داشته باشند. بنابراین این موضوع ژانوس وار، چهره تهدید/ فرصتی برای سیاست ها به دنبال خواهد داشت. بنابراین و به مانند بسیاری از کشورهای مهاجر پذیر در دنیا که مهاجرت و دیاسپورا را مهندسی می نمایند، نیاز به خطی مشی گذاری مطلوب در خصوص بحران مهاجرین افغان در کشور ضرورتی انکار ناپذیر است.

مبانی نظری:

ظرفیت دیاسپورای افغان برای توسعه کشور مبداء:

حقیقین در مقالات بسیار بر ظرفیت دیاسپورا در فرآیند توسعه، قلم فرانسی نموده اند. بسیاری از محققان بر این اعتقاد هستند که جامعه دیاسپورا می تواند در مقوله های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کارگزار توسعه باشد (nanji,2005,13-18). حاتمی در مقاله "سازه های متعارض دیاسپورا در کشورهای مبداء و مقصد" بر این اعتقاد است که دیاسپورا می تواند به مثابه یک هبکه کننده، سرمایه گذار، شبکه دانش، به عنوان یک بازار، جذب کننده نخبگان و به مثابه سفیران صلح و آشتی نیز عمل نماید.

حاتمی، ۱۳۹۹، ۸-۳) در بعد هبکه کننده، جامعه دیاسپوریک می تواند در ابعاد بازگشت ارز و خدمات

انساندوستانه به کشور خود خدمت نماید (brinkerhoff,2004) .. باید عنوان نمود که بازگشت ارز (remittance)، در آمدهای برگشتی، نوعی از منابع مالی هستند که مهاجران در کشور مقصد کسب و به طرق مختلف به کشور مبداء ارسال می کنند و می تواند هم زمان فرصت تهدید برای کشور مبداء و مقصد باشد. باید عنوان نمود در آمدهای برگشتی دیاسپورا همزمان می تواند نقش صلح و تعارض را در کشور مبداء ایفاء کند (host, ۲۰۰۸). سرمایه گذاری مستقیم خارجی تسط دیاسپورا نیز تشابه کارکردی بسیاری با درآمدهای برگشتی دارد.

مطابق آمار مقامات رسمی افغانستان، جریان درآمدهای برگشتی در سال ۲۰۱۵ ، معادل ۳۴۲ میلیون دلار معادل ۱/۷ تولید ناخالص ملی افغانستان بوده بوده است، گرچه بعضی از آمارها این مبلغ را معادل ۳-۷ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان می دانند.

در بسیاری از نظریات و مدل های اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به خصوص در کشورهای در حال توسعه از عوامل مهم توسعه محسوب می شود. دیاسپورا به مثابه بازار، جمعیت دیاسپورا به مثابه یک بازار برای کشور خود هستند و مصرف کننده محصولات نوستالژیک کشور خود

(Agunias and newland,2012) باید عنوان نمود دیاسپورا همیشه با کشور مبداء به دلیل انگیزه های فراوان ، تعاملاتی بی حد و مرزی دارد . مهاجران غالباً، ارتباطات خود را با کشور مبداء به دلیل خاطره جمعی و نوستالژی اسطوره های کشور مبداء و آرمان سرزمین اجدادی و تعهد جمعی به حفظ ، احیاء و کامیابی کشور، حفظ می نمایند (cohen,1997,515) دیاسپورا به مثابه سفرای آشتی ، فعالین می توانند در جامعه دیاسپورا با ارتقاء مهارتهای زبانی ، بینش فرهنگی ... ، صلح و امنیت را در کشورشان ارتقاء دهند و اهداف سیاست خارجی ، دیپلماتیک و راهبردی را برای کشورشان بهبود بخشنند (shain and Barth, 2003). اهمیت این موضوع تا آنچاست که از پدیده دیاسپورا ، محققین با عنوان "کارآفرینان سیاسی غیر دولتی " یاد می نمایند (Adamson & Demetrio,2007). " کاتلین و همکاران " در اثر پرنفوذ خود با عنوان " ما از دیاسپورا و توسعه اقتصادی چه می دانیم ، ارتباط مذکور بین دو مؤلفه دیاسپورا و توسعه اقتصادی " را در سه محور ذیل می داند :

(Kathelen & plaza,2013,3)

-تجارت : یک ارتباط کامل و قابل توجه بین حضور دیاسپورا و افزایش تجارت وجود دارد. همچنین اعضای دیاسپورا ارتباطاتی را بین تولید و محصول در کشور مبداء و مقصد ایجاد می نمایند.
-سرمایه گذاری : سرمایه دیاسپورا ها به طور مستقیم در کشورشان و متقاعد نمودن سرمایه گذاران غیر دیاسپورا که همان سرمایه گذاری را انجام دهند، اعتمادسازی سرمایه گذاران در ظهور بازارهای غیر توسعه یافته در این قسمت مهم می باشد (Epstein,2016,5)

- مهارتها و انتقال دانش : دیاسپوراها غالباً مهارتهای ارزشمند و تجاربی را که می توانند کسب نمایند به کشور خود انتقال می دهند .

بعضی از اندیشمندان ، چهار نحله مختلف سیاستگذاری در خصوص مهاجرین که در پیوند با رشد تجارت و اقتصاد کشور مبداء / مقصد باشند را به صورت ذیل دسته بندی نموده اند (Berry, 1997) :

-همانندسازی (Assimilation) : همانندسازی هنگاهی رخ می دهد که اشکال مختلف مهاجرین

با مردم محلی ، ارتباط و همانند می گردد

- جداسازی (separation) : جداسازی هنگاهی رخ می دهد که اشکال مختلف مهاجرین با مردم

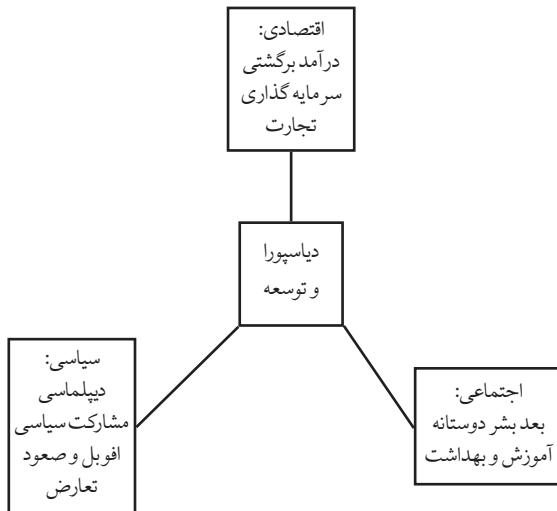
محلي در تعامل و ارتباط ، نباشند

-همگرائی (integration) : همگرائی هنگاهی رخ می دهد که مهاجرین با هردو جامعه مهاجرین

و مردم محلی و جامعه مقصد در تعامل باشند. در این حالت احتمال تجارت بین المللی بین دو کشور

افزایش می یابد

- حاشیه نشینی (marginalization) : حاشیه نشینی هنگاهی رخ می دهد که جامعه مهاجرین نتوند با جوامع دیگر تعامل برقرار نمایند و در این صورت هیچ تجارت بین المللی، حادث نمی گردد



اقدامات دیاسپورا در فرآیند صلح و تعارض:

با توجه به فرآیندهای فوق و نقش بی بدیل دیاسپورا در صعود و افول تعارض و نقش توامان صلح سازی و تعارض آمیز، می توان شمای کلی نقش مذکور جوامع دیاسپوریک را به شرح جدول ذیل، تشریح نمود:

تعارضات جاری	فرآیند صلح	تعارض و باساخت پسا	عدالت انتقالی
طرفداری، لایینگ، درخواست، کمپین، ارسال حمایتهای مالی از گروههای مسلح، الحق به گروههای شورشی به عنوان جنگجو، رای دادن به فرآیندهای سیاسی کشور مبدأ در کشور مقصد	تخربیگر یا حامی فرایندها، درگیر شدن به عنوان طرف سوم، تسهیل گرو و متهد به کشور در فرآیند صلح در کشور مبدأ، شرکت در فرایندهای صلح به عنوان مذاکره کننده	سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، مشارکت در برگشت مهاجرین، پروژه‌های توسعه، حمایت از زیرساختها، حامی کمکهای خارجی	لای نمودن برای شناسائی ژئوسایید، شرکت در کمیسیونهای تحقیق، تلاش برای صلح و آشتی

پناهندگان افغان در ایران:

تمامی مکاتب اقتصادی و سیاسی بر تاثیر دوگانه مثبت و یا منفی مهاجرت و دیاسپورا بر اقتصاد و امنیت کشور مبداء و مقصد، اجماع داشته و بنابراین مکاتب اقتصاد سیاسی در سالیان گذشته تحلیلهای متفاوت

دیدگاههای متفاوت در خصوص مهاجرت و توسعه :

دیدگاه خوش بین به مهاجرت	دیدگاه بدین به مهاجرت
کاردگرا	ساخترگرا
ننوکلاسیک	نومارکسیست
نویازی	واگرانی
انتقال شمال به جنوب	انتقال جنوب به شمال
بدست آوردن مغراها	فرار مغزها
برابری بیشتر	نابرابری بیشتر
سرمایه پولهای برگشتی	صرف

سیر مهاجرت افغانها به ایران گرچه به قرن نوزدهم بر می‌گردد ولی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، اولین مهاجران کار افغان برای کار در صنعت نفت و گاز ایران وارد کشور شدند. البته در این دهه مهاجرینی نیز به علت موج‌های خشکستالی در افغانستان روانه ایران شدند. بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۱ میلادی، مهاجرت افغانها به ایران با انگیزه مستقیم یا غیر مستقیم ناشی



از جنگ داخلی، نامنی، خشونت گسترده، بیکاری و تورم شکل گرفت. اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و در بازه زمانی سال ۸۰ تا ۸۹ میلادی باعث موج فزاینده‌ای از افغانها به ایران گردید (2017, sanchez) که تعداد این مهاجرین را تا ۳ میلیون نفر تخمین زده‌اند، گرچه با عقب نشینی شوروی از افغانستان و در سال ۱۹۹۲، بالغ بر یک چهارم این جمعیت به کشورشان باز گشتند. ج.۱.۱ در این بازه زمانی با استفاده از نگرش ام القرای جهان اسلام، سیاست درهای باز به سوی مهاجرین افغان را اعلام و خدمات زیادی را نیز به آنها ارائه داد (Abbasi et al,2008, 75)، گرچه کوشش‌های سازمانی ایافته ایران برای برگشت مهاجرین افغان از سال ۱۹۹۲ شروع شد (marchend et al,2004).

به دنبال موجهای مهاجرت مردم افغانستان پس از جنگهای داخلی در این کشور، جمهوری اسلامی ایران پذیرای بیش از یک میلیون پناهنده از این کشور بوده است. لذا آمار و کیفیت پناهنده‌گان که در ذیل دیاسپورای قربانی و کار قرار می‌گیرند و مفصل بندی این پناهنده‌گان و سیاستگذاری دیاسپورا، داده‌ای اساسی در بذل توجه در سیاستهای مربوط به آنها می‌باشد.

مطابق با امار کمیساریا، چهل درصد تمام مهاجران افغان در دنیا در ایران ساکنند به طوریکه ایران میزبان بزرگترین جمعیت پناهنده‌گان شهری در جهان می‌باشد (UNCHR,2017). به طور کلی می‌توان عنوان نمود آمار متاقضی در خصوص تعداد پناهنده‌گان افغان در ایران وجود داشته که این موضوع، سیاستگذاری و سیاستهای مهاجرت در خصوص پناهنده‌گان افغان را با چالش مواجه ساخته است.

رابین کوهن در سال ۱۹۹۷، پنج نوع مختلف از دیاسپورا را با عنوان، دیاسپورای قربانی، دیاسپورای کار، دیاسپورای تجارت، دیاسپورای امپریالیزم و دیاسپورای قلمرو زدایی شده (فرهنگی) را از همدیگر و با توجه به کارکردهای انها متمایز می‌کند. (kohen,1995)

گونه‌شناسی کوهن از مقولات دیاسپورا: (۲۰۰۸, cohen)

انواع اصلی دیاسپورا	مثالهای دیاسپورا	اشارات و مفاهیم
دیاسپورای قربانی	يهودیان - آفریقانیها	خیلی از گروههای پراکنده معاصر، دیاسپورای قربانی هستند که به سرزمین اصلی خود برگشته‌اند و یا در سرزمین مهمان، همانند گشته‌اند
دیاسپورای کار	سرخپوستان به استخدام درآمده	دیاسپورای پرولتاریا بیان دیگری از این وضعیت می‌باشد. ترکها و چینیها نیز در این وضعیت قرار می‌گیرند
دیاسپورای امپریالیسم	انگلستان - فرانسه	دیاسپورای مردم قدرتهای استعماری که به مستعمرات رفتند
دیاسپورای تجارت	لبنانیها - چینیها	دیاسپورای تجاري و سوداگری و مسافت به کشورهای غربی
دیاسپورای قلمرو زدایی شده	مردمان منطقه کارائیب	دیاسپورای مذهبی - اختلاط فرهنگی بعد از دوران استعمار بیان دیگری از این وضعیت است

امروزه و با توجه به ملزومات جهان پست مدرن و مهاجرت های ناشی از آن که با پدیده زمان ، فضا و مکان ، در هم آمیخته می توان تمامی مهاجرت ها را در این دسته بنده خلاصه نمود(حاتمی ، ۱۳۹۶ ، ۷۰-۶۵)

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ در گزارشی تعداد مهاجرین افغانستانی در ایران را یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر اعلام نمود اما به این نکته اشاره نکرده است که آیا این تعداد تنها شامل مهاجرین قانونی است یا مهاجرین غیرقانونی را نیز شامل می شود.(<https://www.amar.org.ir>) وزارت مهاجرین و عودت دهندگان افغانستان نیز اعلام کرده حدود ۲ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران زندگی می کنند که از این تعداد، تعداد ۱ میلیون ۴۰۰ هزار نفر فاقد اسناد قانونی مهاجرت هستند.

(<http://www.etilaatroz.com/27023>)

. وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ در پاسخ به سوال نمایندگان ملت درباره این موضوع، تعداد کل مهاجرین افغانستانی را ۲ و نیم میلیون نفر اعلام نموده اند که از این میزان ۱ و نیم میلیون نفر به صورت قانونی و یک میلیون نفر به صورت غیرقانونی در کشور زندگی می کنند .(<http://www.tabnak.ir/fa/news/499647/25>)

رئیس وقت ستاد افغانستان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در مصاحبه خود با خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱، آمار مهاجرین افغانستانی ساکن ایران را شامل یک میلیون مهاجر قانونی و دو میلیون مهاجر غیرقانونی اعلام کرده است. (<http://www.farsnews.com>)

حوزه امنیت اقتصادی :

تقریباً هیچ یافته ای را نمی توان از متون استخراج نمود که مهاجرین تاثیرات منفی را بر اقتصاد کشور میزبان دارند. مضاف بر این موضوع برگشتهای پولی از ایران با توجه به بحران اقتصادی، تحریمهای قیمت دلار ، این فرضیه را قویاً اثبات می نماید.

از سوئی بحران هسته ای و تحریمهای نه تنها بر اقتصاد کشور بلکه بر کیفیت معاش مهاجران افغان تاثیری بسزا دارد (Maloney,2015). جان ایگلند ، دبیر کل شورای پناهندگان نروژ اعلام نموده ، در حالیکه این شورا تا سال ۲۰۱۵ و قبل از آن ، مبلغ دو میلیون دلار را برای تسهیلات مهاجرین افغان اختصاص می داد، این مبلغ در حال حاضر به زحمت به پانصد هزار دلار می رسد(AFP,2013). نماینده کنسرسیوم پناهندگان نیز اعلام داشته که حتی یک دلار را کسی نمی تواند به حساب این

کنسرسیوم در راستای معیشت پناهندگان به کار برد (Sphere project, 2015). برنارد دویله، رئیس کمیساریا در ایران، تاکید نموده است بزرگترین مشکل کمیساریا در ایران، انتقال منابع مالی از سیتمهای بانکی است (June ۲۸, tasnim ۱۴, ۲۰۱۴).

با این وضعیت رئیس جمهور ایران، در ژولای ۲۰۱۴، طی یک دستور اعلام نموده که تمامی شرکتها و سازمانها مگر در شرایطی فقط موظف به استخدام و به کارگیری نیروهای ایرانی هستند (AL monitor, 28 jaunary, 2015). غافل از اینکه مهاجرین افغان حفره های کار را در بخشهاي پر نموده اند که اتفاقاً باعث خیز صنعتی در بخشهاي مانند صنعت ساختمان گردیده اند. به طور مثال، برخی صنایع ایران که تولیدات آنها قابلیت رقابتی داشته و به جهت کیفیت و قیمت پایین، از اولویت های صادراتی کشور محسوب می گردند در اختیار نیروی کار افغانستانی هاست. از جمله در تهران، بخش قابل توجهی از کارگاه های صنعت تولید کیف و کفش در اختیار کارگران افغانستانی است. علت رقابتی بودن صنعت کیف و کفش ایران، بخشی به جهت قیمت پائین آن است و بخشی به جهت کیفیت نیروی کار. خروج برادران افغانستانی از ایران، به دلایلی که در بالا ذکر شد، هزینه های تولید را افزایش و رقابتی بودن این صنایع را از بین برده و صادرات را قطعاً کاهش خواهد داد.

در بعد مطالعات امنیتی به طور کلی و پس از افول نظریه امنیت نظامی، اقتصاد جایگاه فرآگیرتری یافت. اقتصاد در هر زمانی در برگیرنده مقولات تأمین کننده معاش مرد بوده است و به اموری چون منابع طبیعی، نیروی انسانی و تلاش و فعالیت بشری وابسته است. در امنیت اقتصادی، علاوه بر اهمیت وجود منابع و ثروت های خدادایی، عدالت و توزیع عادلانه ثروت میان مردم و همچنین ایجاد شغل از مولفه های مهم به شمار میروند و با این وجود و با اجرای عدالت در عرصه اقتصاد، عوامل مهم بی ثباتی و ناامنی به ویژه در بعد ملی که همان نارضایتی عمومی است از بین خواهد رفت (جمشیدیها، ۱۳۸۹، ۸۸). در حوزه اقتصاد با توجه به حضور اتباع افغانستان در ایران و نیاز آنها برای کسب و کار درآمد این حوزه بیشتر از دیگران مورد توجه ساختار سیاسی و امنیتی کشور است. از سوئی تحقیقات انجام شده در خصوص تاثیر مهاجرین بر اقتصاد در کشورهای در حال توسعه، حاکی از تاثیر مثبت مهاجرت بر اقتصاد کشور میزبان می باشد (فرهنگ، امید، ۱۳۷۵، ۳۰). مهاجرت همان طور که نحوه زندگی مهاجران را تغییر می دهد، الگوهای استعمال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می کند. مهاجران دستمزدهای کمتری می گیرند، ساعتی بیشتری کار می کنند و تلاش میگنند با انجام کارهای سخت، درآمد بیشتری را کسب کنند و قسمت اعظم آن را نیز پس انداز کرده یا به کشور خود ارسال کنند (زنجانی، ۱۳۹۵، ۱۸۷).

از جمله پیامدهای مهاجرت را می‌توان کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش نرخ بیکاری، کمبود مسکن و افزایش نرخ اجراء بهای مسکن در بسیاری از نقاط شهری و ... دانست.

حوزه امنیت اجتماعی:

پراکنش و توزیع جغرافیایی افغانه در ایران و در شهرها باعث ایجاد "گتوها" یا جدائی گزینی هایی شده که کیان کلانشهرهایی مانند تهران، مشهد و .. را مورد مخاطره قرار داده است. مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه و مشخصاً ایران نوعی مهاجرت اجباری ناسالم است که با آسیب و تخریب روحی و روانی اعضای خانواده های مهاجر توأم بوده است. عامل اصلی این نوع مهاجرت، جنگ و ناآرامی داخلی افغانستان و تبعات ناشی از آن بوده است (جمشیدی، ۱۳۸۳، ۴۳). چنین تجمعی باعث شده به برخی از مشکلات اجتماعی و نیز قاچاق مواد مخدر دامن زده شود. از سوی دیگر بسیاری از نارسانی های فرهنگی و آموزشی آنان در مواجهه با مردم و اجتماع شهر، اثرات دراز مدتی بر کارکردهای اجتماعی فرهنگی خواهد داشت. تصادم شدید فرهنگی و تضادهای اجتماعی ناشی از این امر نه تنها در درون تهدید برای امنیت ملی است که خود می‌تواند روابط سیاسی بین ایران و افغانستان را تحت تاثیر قرار دهد. مهاجرت های بین المللی بخصوص مهاجرت های غیر قانونی دارای بازتاب ها و پیامدهای مختلف سیاسی امنیتی اند. نفوذپذیری مرزها و افزایش تردد های مرزها و افزایش تردد های غیر مجاز، مواد مخدر، گسترش تروریسم، فعالیت باندهای تبهکار و مافیایی، سوء استفاده از نیروی کار مردان خارجی و همچنین سوء استفاده جنسی از زنان مهاجر، جاسوسی و فعالیت ضد امنیتی، بر هم خوردن ترکیب قومی مذهبی کشور میزبان، تهدید و تنزل منابع طبیعی و ظرفیت های زیست محیطی، رواج بیماری های مسری خطernak و ... بخشی از مهمترین پیامدهای سیاسی امنیتی مهاجرین به خصوص مهاجرت های غیر قانونی در عرصه بین المللی هستند (موسوی وزرقانی، ۱۳۸۱، ۸).

در حوزه اجتماعی، یک چالش عمده امنیتی مربوط به گسترش حاشیه نشینی و تغییر در بافت و ترکیب جمعیتی جامعه میزبان به خصوص روستانها و مناطق با جمعیت کم می باشد. طبیعتاً افغانها غالباً به دلیل درآمد محدود امکان زندگی در نقاط شهری را نداشت و در نتیجه غالباً در حاشیه شهرها و یا روستاهای نزدیک به شهرها، ساکن می شوند. در نتیجه، تراکم جمعیت در این مناطق بالا رفته، وضعیت بهداشتی درمانی تنزل یافته، مشاغل کاذب فروختن و بالطبع، بزه و اعمال خلاف قانون نیز گسترش پیدا می کند.

قومیت مهاجرین افغان در ایران :

القومیت	درصد قومیت در نسل اول	درصد قومیت در نسل دوم
هزاره	۳۹	۵۷/۵
تاجیک	۲۱/۲	۳۷/۵
پشتون	۸/۵	۳/۸
دیگران	۳۱/۳	۱/۳

سطح سواد مهاجرین افغان:

سطح سواد مهاجرین افغان	بازه سنی ۱۵-۲۹	بازه سنی بیش از سی سال
بی سواد	۲۹/۸	۵۵/۴
ابتدائی	۵۳/۳	۲۳/۳
راهنمانی	۱۲/۶	۵/۷
دبلم	۳/۹	۴/۸
سواد مذهبی	۱۶/۰	۰/۶
سواد دانشگاهی	۲/۰	۱/۴



۱۱

باستگذاری مطابق با
برآوردهای
نمودن
آنچه از
افغانستان

از سوئی باید پذیرفت، نیروی کار افغانستانی به جهت ویژگی‌های روحی و بدندی و نیز شرایط زندگی در ایران، ضمن آنکه افرادی بسیار سختکوش و اهل کار هستند، به نسبت ایرانی‌ها، دستمزدهای پائین تری طلب می‌نمایند. انعطاف در برابر سختی کار، روحیه سختکوشی و تلاش بالا، خستگی ناپذیری و قدرت بدندی، امانت‌داری در برابر کارفرما، رعایت اصول اخلاقی و رفتاری کار و بالاخره دستمزد پائین کارگران حوزه ساختمان و عمران، خدمات و نظافت شهری بر عهده این عزیزان باشد. (زنگنه، ۱۳۹۸، ۱۳) خروج این مهاجرین، موجب کمبود نیروی کار برای این مشاغل شده و عملاً هزینه‌های نیروی کار و تولید بخصوص در صنعت ساختمان و امور عمرانی، بهشدت افزایش می‌یابد. این امر موجب رکود نسبی ساخت‌وساز از سویی و تورم صنعت ساختمان و امور عمرانی خواهد گردید در شرایط فعلی اقتصاد کشور و جایگاه صنعت ساختمان به عنوان یک صنعت پیشرو، به هیچ عنوان به صلاح اقتصاد کشور نیست.

حوزه مطالعات منطقه ای :

امروز استفاده از دیاسپوراها در سیاستهای منطقه‌ای توسط کشورهای میزبان امری شایع و فراگیر شده که کشورها با طرفیت دیاسپورای خود، اقدام به فرست سازی در فرای مرزهای جغرافیایی خود می‌نمایند.

(زنگنه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)

گزارش های متعددی از استخدام و به کارگیری نیروهای افغان در نبرد سوریه توسط ج. ۱.۱. گزارش شده (rasmussen, Guardian, 30 june 2016) که گرچه امارها متناقض بوده و لی مقامات ایران نیز به صورت دو فاکتو بر نقش این افراد در نبردهای منطقه ای ، صحنه گذاردند. مضاف بر این موضوع بسیاری بر این اعتقادند که بازی ج. ۱.۱. با پناهندگان یک چانه زنی زئوپلیتیک برای مواردی همچون تقليل تحریمهای بر علیه ایران ، بازی با کارت پناهندگان افغان و مبارزه با هزمونی منطقه ای امریکا در منطقه و مشخصاً افغانستان است (Christensen, 2016, 3035). با مفروض قرار دادن ، نقش پناهندگان به عنوان یک سرمایه اجتماعی ، باید نقش و کارکرد این سرمایه را به استخدام گرفت . سرمایه اجتماعی بین کشورهای همسایه در اقتصاد بین الملل ، نقش بسزایی در شاخص های اقتصادی کشورها دارد. همین سرمایه و اعتماد اجتماعی موجب تعامل و همکاری ملت ها و دولت ها در بحران های مختلف می گردد

آثار و تبعات حضور افغانها در ایران و توصیه های سیاستگذاری :

مهاجرت افغانه به کشورهای همسایه ، طی دهه های گذشته یک پدیده مهم بوده است که ناشی از ترکیبی پیچیده از تعارضات طولانی مدت ، نامنی غذایی ، بلایای طبیعی و عوامل اقتصادی - اجتماعی است. از دهه ۱۹۹۰ میلادی ، ماهیت مهاجرت به آرامی و به سوی آوارگی اجباری در حال تغییر بوده است. حدود ۴/۸ میلیون افغان در سال ۲۰۱۵ در خارج از کشور اقامت داشتند که شامل ۲/۶ میلیون پناهجو و ۲/۲ میلیون نفر از این افراد مهاجران اقتصادی هستند که غالب انها در ایران و پاکستان ، ساکن هستند. در حالی که موجهای قبلی مهاجرت عمده از پناهندگان تشکیل شده بود ، در دهه گذشته مهاجران اقتصادی به صورت دائم التزايدی نه تنها در ایران بلکه در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز گسترش داشته اند. با این اوصاف و تعميق مهاجرت جبری پناهندگان افغانستان به ایران ، عدم زیرساختهای مناسب برای رفاه انها ، فقدان نهاد متولی سیاستگذار و فقر منابع مالی و ... باعث گریده فرصت مناسبی از قبل مهاجرین افغان در حوزه های سیاستگذاری مغفول بماند.

کارگران افغان ، در طول بیش از دو دهه ، عرضه نیروی کار ایران را افزایش دادند ، به همین جهت طی این دوره افزایش دستمزد کارگران غیر ماهر - به ویژه در بخش ساختمان که کارگران افغان در آن سهم بالایی دارند - بسیار کند بوده است. مهاجران افغان که به صورت غیرقانونی در ایران ساکن هستند ، ناگزیرند کارهای دشوار را با دستمزدهایی نسبتاً پایین انجام دهند ، آنها نمی توانند از شرایط بد یا ساعات طولانی



کار شکایت کنند، از این رو بسیاری از کارفرمایان ترجیح می‌دهند که به جای کارگران ایرانی، افغانی‌ها را استخدام کنند.

در کل کارگران افغانستانی با افزایش عرضه نیروی کار، سبب کاهش دستمزد کارگران غیرماهر شده‌اند. به عبارت دیگر حضور افغان‌ها در بازار کار ایران، به نفع کارفرمایان و به زیان کارگران غیرماهر ایرانی بوده است. زمانی که دستمزد در برخی از مشاغل کاهش یابد، کارگران بومی گرایشی به آن مشاغل نشان نمی‌دهند ولی مهاجران بیشتر به سمت چنین فعالیت‌هایی می‌روند البته برخی از این مهاجران توانسته‌اند به استادکاران ماهری در کلیه امور ساختمان‌سازی تبدیل شوند. ورود و خروج غیرقانونی مهاجران، سبب پایین آمدن ضریب امنیت در مرزها می‌شود و مشکلات امنیتی و سیاسی بسیاری برای کشور ایجاد می‌کند. علاوه بر این گسترش هرج و مرج در مرزها کنترل مرزها را دشوارتر کرده و دولت می‌بایست هزینه زیادی برای تأمین امنیت این مناطق پردازد.

مسئله دیگری که ورود و خروج غیرقانونی این مهاجران به دنبال دارد این است که اغلب این افراد مخفیانه و به صورت غیرقانونی وارد ایران می‌شوند و مسئله قاچاق انسان را ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، مهاجرت غیرقانونی به عنوان فعالیت سودآور مطرح می‌شود. مهاجرت غیرقانونی توسط باندهای تبهکار، سازماندهی می‌شود. باندهای مستقر در خارج، این کار را به یک فعالیت تجاری بسیار منطقی و منظم تبدیل کرده‌اند. از جمله تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها در ایران، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف است. از جمله دلایلی که باعث شده آنها حاشیه شهرها را انتخاب کنند، وجود منازل مسکونی با اجاره‌بهای کمتر از نقاط مرکزی شهر، دور بودن از قوانین و مقررات سختگیرانه حاکم در مرکز شهر، اشباع نقاط مرکزی شهر از جمعیت و ... بوده است. اغلب این مهاجران به دلیل فقر به حاشیه‌نشینی روی آورده‌اند که این امر نه تنها سبب ایجاد چشم‌اندازهای نامناسب در شهرها می‌شود بلکه در این مناطق امکانات بهداشتی در سطح بسیار پایینی است که برای خود مهاجران نیز مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند. برخی از تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها ناشی از سبک زندگی متفاوت خانواده‌های افغانستانی و ایرانی است. به عنوان مثال سن ازدواج در بین جوانان ایرانی بالا رفته، خانواده‌ها اغلب تمایل به داشتن یک یا دو فرزند دارند و علاوه بر اینها آمار طلاق در بین خانواده‌های ایرانی بالاست.

از سوئی، سطح سواد مهاجران افغان را می‌توان بسیار پایین دانست که این موضوع علاوه بر آسیب بر خود مهاجرین، تهدیدی اجتماعی نیز برای سازه‌های های اجتماعی کشور می‌باشد. سطح پایین سواد و آموزش و آگاهی عمومی مهاجران افغان، بی‌شک تبعات منفی بسیاری برای کشور و به ویژه شهرهایی

که این افراد در آنجا سکونت دارند به دنبال دارد. نه تنها مسئله نداشتن تابعیت مهاجران غیرقانونی سبب بی‌سواندگی گسترده در بین آنها شده است، بلکه مسائلی همچون عدم تأمین امکانات تحصیل فرزندان، فقر اقتصادی و ضرورت اشتغال همه افراد خانواده و جابه‌جایی زیاد از شهری به شهر دیگر سبب شده است این گروه از مهاجران نتوانند از سواد و آموزش مناسبی برخوردار شوند. در نگاه دیگر و در بعد منطقه ای و بین‌المللی نیز می‌توان عنوان نمود، تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها تنها به حوزه داخلی محدود نمی‌شود بلکه در حوزه بین‌المللی نیز پیامدهای منفی برای کشور به همراه داشته است. علاوه بر گزارش‌های حقوقی بشری، در اغلب متون غربی نیز ایران را به نژادپرستی و سوء‌رفتار با پناهندگان افغان متهم می‌کنند و این در حالی است که طی سال‌های بسیاری، مهاجران افغان در کنار مسلمانان ایران با حقوقی مطلوب زندگی کرده و کشور ایران پس از تغییر شرایط و فراهم شدن نسبی زندگی در افغانستان، مهاجران افغان را به ادامه زندگی در کشور خود ترغیب کرده است. با این اوصاف و در حالیکه اکثر مقالات علمی و نگرش مردم نسبت به پناهندگان افغان منفی بوده است، مهاجرین افغان همانطور که در فرضیه مقاله نیز برآن تأکید شده، می‌توانند عامل اصلی خیز اقتصادی در عرصه داخل و یک نهاد امنیت ساز در ورای مرزها باشند.

بعنوان نتیجه گیری با توجه به مطالب مذکور و متاثر از متغیرهای تحقیق در یک شمای کلی می‌توان فرصت‌ها و تهدیدهای حضور مهاجرین افغانستانی در ایران را در موارد ذیل خلاصه نمود.

ایجاد ظرفیت‌های دیپلماتیک، تقویت روابط فرهنگی و سیاسی دو کشور و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و اشباع بازار کار در زمرة فرصتها دانست و بروز بحران و آشوب‌های اجتماعی، ازدواج پناهندگان و مهاجران با اتباع ایرانی، تغییر فرهنگ کار، هزینه‌های نظامی و انتظامی مهاجرین افغانستانی و نارضایتی افکار عمومی در کشور، ایجاد زمینه فعالیت‌های زیرزمینی و غیرقانونی و پدیده رمیتس را در زمرة تهدیدات اجتماعی / اقتصادی، نام برد.

منابع:

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، بازخوانش جغرافیایی از دیاسپورا، فصلنامه روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۸۱-۶۵
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶) فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دروه ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹
- مذیدی، احمد وزارع شاه آبادی، علیرضا (۱۳۸۵)، دلایل حضور مهاجرین روسیانی در شهر یزد و وضعیت آنها، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ش. ۷، تابستان ۱۳۸۵
- جمشیدیها، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۳)، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغان؛ فصلنامه علوم اجتماعی، ش. ۲۳
- فرهنگ، امید (۱۳۷۳)، کارگران افغانستانی سازندگان بی نام و نشان ایران، نشریه گفتگو، شماره ۱۱
- جمشیدیان، هادی (۱۳۸۰)، تبیین نظریه امنیتی امام خامنه ای، رساله دکتری رشته امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عال دفاع ملی
- بوزان، باری (۱۳۹۶). مردم، هراس و دولتها. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی . تهران . انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- روشنلول، جلیل (۱۳۹۵)، امنیت ملی و نظام بین الملل، انتشارات سمت . تهران
- شیرخانی و بایزیدی (۱۳۹۷)، مهاجرت سرمایه انسانی و توسعه : مقایسه ایران و ترکیه ، رهیافت های سیاسی و بین المللی، زمستان ۱۳۹۷
- شهرام نیا، امیر مسعود و اسکندری، مجید (۱۳۸۸)، بعد، ریشه ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به مرکز، ره آورد سیاسی ، تابستان ۱۳۸۸، سال هفت ، شماره ۲۴ و ۲۵، فروردین واردیبهشت
- هادی زرقانی و موسوی ذهرا (۱۳۹۵)، مهاجرت های بین المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی ، بهار سال ۹۸ ، شماره ۱۷

انگلیسی:

- Shain, Y. & A. Barth (2003), ‘Diasporas and international relations theory’, International Organization 57 (3): 449-479.
- Khayati, Khalid. 2008a. “From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurds in France in Sweden.” PhD Thesis, Linköping Studies in Arts and Science, No. 435, Linköping University.
- Herbele,R(1938),the cause of rural –urban migration :a survey og german theories, ameracan journal of sociology, no43
- Fawcett,T.james et al(1982)reson for development,vol.10,n0 4
- Kthleen,N & Sonia Plaza(2013),what we know diaspora & economic development. Policy rief journal. Migration policy institute



۱۵

دانشگاه مطالعات جهان اسلام
جامعة دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشی پایی جهان اسلام

-Garrote-Sanchez(2017), International Labor Mobility of Nationals: Experience and evidence for Afghanistan at macro level, Social Protection and Labor Global

Practice, Washington, DC, when the initial draft of the paper was written

-Gil S. Epstein(2016),The Formation of Networks in the Diaspora, Tel-Aviv-Yaffo Academic College

and IZA, Discussion Paper No. 9762

February 2016

- Janne Bjerre Christensen, (2016),GUESTS OR TRASH, Iran's precarious policies towards the Afghan refugees in the wake of sanctions and regional wars, Danish Institute for International Studies,120

-Abbasi-Shavazi, M.J.; Glazebrook, D.; Jamshidiha, G.; Mahmoudian, H. and Sadeghi, R.().Second Generation Afghan in Iran: Integration, Identity and Return, Afghanistan and Research Evaluation Research

-Brinkerhoff, J.M. (2011), "Diasporas and conflict societies: conflict entrepreneurs, competing interests or contributors to stability and development?" Conflict, Security & Development, Vol. 11 No. 2, pp. 115-143.

-Agurias, D.R. and Newland, K. (2012), Developing a Road Map for Engaging Diasporas in Development, IOM.

-De Haas, H. (2007). Remittance, Migration and social development, A Conceptual Review of the Literature, United Nations Research Institute. For Social Development

-Mark Boyle and Rob Kitchin(2017), Diaspora-Centred Development: Current Practice, Critical Commentaries, and Research Priorities, Department of Geography/National Institute for Regional and Spatial Analyses , National University of Ireland Maynooth , Kildare , Ireland

منابع اینترنتی:

-UNHCR (2017a) Global trends: Forced displacement in 2016. UNHCR, Geneva <http://www.unhcr.org/5943e8a34>. Accessed 18 Dec 2017

UNHCR (2017b) UNHCR Afghanistan Voluntary Repatriation Monthly Report, June2017

- UNHCR, Kabul <https://data2.unhcr.org/en/documents/download/59085>. Accessed 4 May 2018



۱۶

سال بیانی دهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

UNHCR (2017c). Update on

- <https://www.amar.org.ir/Portals/0/census/1395/results/tables/jamiat/tafsili/kol/2-jamiat-k.xls>
- <http://www.etilaatroz.com/27023>
- <http://www.tabnak.ir/fa/news/499647/25>
- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910422000350>
- <http://www.icana.ir/Fa/News/354415>

DOI: 10.21859/priw-110101

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در جهان»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س. ۱۱، ش. ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۷-۱.



۱۷

سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در...